

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى



## موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور و نهضت زمینه‌سازی برای ظهور مهدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: منا سلطانی

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲

لطفاً درباره‌ی نام، سن، ملیت و مشخصات ظاهری جناب منصور هاشمی خراسانی زمینه‌ساز ظهور امام مهدی علیه السلام توضیحات بیشتری بدهید. با تشکر

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲

خواهر گرامی!

شخصیت‌گرایی به بیماری شایع و خطرناکی در میان مسلمانان تبدیل شده است؛ زیرا آنان سخن حق را از کسی که نمی‌شناسند نمی‌پذیرند و سخن باطل را از کسی که می‌شناسند می‌پذیرند، در حالی که سخن حق، حق است اگرچه گوینده‌اش ناشناخته باشد و سخن باطل، باطل است اگرچه گوینده‌اش شناخته باشد. سخن حق، با ناشناخته بودن گوینده‌اش باطل و سخن باطل، با شناخته بودن گوینده‌اش حق نمی‌شود، بل هر گوینده‌ای با چیزی که می‌گوید شناخته می‌شود؛ اگر سخن او حق بود بر حق و اگر سخن او باطل بود، بر باطل است. چه بسیار گوینده‌ی پرآوازه‌ای که باطل می‌گوید و چه بسیار گوینده‌ی گمنامی که حق! آیا حق بودن کسی وابسته به نام اوست یا از ملیت او تبعیت می‌کند یا از مشخصات ظاهری او اثر می‌پذیرد؟! در حالی که نام‌ها عناوینی اعتباری هستند و ملیت‌ها توهمات خودبافته‌اند و مشخصات ظاهری با مشخصات باطنی ملازم نیستند. آیا شما با توجه به نام، سن، ملیت و مشخصات ظاهری جناب منصور هاشمی خراسانی پی برده‌اید که ایشان «زمینه‌ساز ظهور امام مهدی علیه السلام» است یا با توجه به اندیشه‌ها، آموزه‌ها و آرمان‌های ایشان؟! اگر با توجه به اندیشه‌ها، آموزه‌ها و آرمان‌های ایشان به این واقعیت پی برده‌اید، پس چرا درباره‌ی نام، سن، ملیت و مشخصات ظاهری ایشان کنجکاوی می‌کنید؟! آیا نمی‌دانید که این کنجکاوی شما، دیر یا زود به فتنه‌ای برای شما و دستاویزی برای شبهه‌انگیزان

www.alkhorasani.com

بَیِّنَاتُ الْإِسْلَامِ مِنْ سُلْطَانِ فَتْرَةِ مَنْصُورِهَا الشَّيْحِ خُرَاصَانِيِّ حَفِظَهُ اللهُ تَعَالَى

تبدیل خواهد شد؟! همان شیاطین انسی و جئی که می‌کوشند شما را از متن به حاشیه و از محکمت‌ها به متشابهات مشغول سازند تا بدین حیل، ذهن‌تان را مغشوش و قلب‌تان را بیمار نمایند تا در هجوم بدبینی‌ها و بدگمانی‌ها، سپر عقلانیت را بر زمین اندازید. آنان می‌دانند که در مصاف حجت‌ها و براهین قاطع جناب منصور هاشمی خراسانی، مانند طفلی عاجز و درمانده‌اند؛ چراکه حجت‌ها و براهین قاطع این نادره‌ی دوران، سر را می‌شکنند و گردن را خم می‌کند! از این رو، برای مقابله با ایشان، چاره‌ای جز جوسازی و حاشیه‌پردازی ندارند و چیزی که به آنان مجال این شرارت و شیطنت را می‌دهد، حساسیت و اهتمام امثال جناب عالی به نام، سن، ملیت و مشخصات ظاهری این بزرگوار است؛ زیرا اگر امثال جناب عالی به این قبیل حواشی و فروع، اهمیّت چندانی نمی‌دادید، اینان تا این اندازه بر روی آن تأکید نمی‌کردند، ولی واقع آن است که امثال جناب عالی به این قبیل حواشی و فروع، اهمیّت فراوانی می‌دهید و این دستاویزی برای این دشمنان خدا و دشمنان خلیفه‌ی او در زمین است. اینان مانند سایر شیاطین انسی و جئی، از نقطه‌ی ضعف شما سوء استفاده می‌کنند و نقطه‌ی ضعف شما، اهمیّت دادن به ظواهر اشخاص به جای اندیشه‌ها، آموزه‌ها و آرمان‌های آنان است؛ چنانکه به عنوان نمونه، برخی توقع دارند که جناب منصور هاشمی خراسانی، دارای ظاهری فوق‌العاده و در هاله‌ای از نور باشد و از این رو، هنگامی که ایشان را بشری مانند خود می‌یابند، اندیشه‌ها، آموزه‌ها و آرمان‌های ایشان را فراموش می‌کنند و از ایشان روی بر می‌گردانند؛ غافل از آنکه پیامبران نیز بشری مانند آنان بودند، جز آنکه خداوند با توفیق علم و عمل صالح، بر آنان ممت نهاده بود؛ چنانکه فرموده است: **﴿قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾**<sup>۱</sup>؛ «پیامبران‌شان به آنان گفتند که ما جز بشری مانند شما نیستیم، ولی خداوند بر هر کس از بندگانش که بخواهد ممت می‌گذارد و ما را نمی‌رسد که برای شما معجزه‌ای بیآوریم مگر با اذن خداوند و مؤمنان باید بر خداوند توکل داشته باشند». این است که اغواگران شیطان‌صفت می‌کوشند چونان کشفی تازه و حلّی برای یک معما، جناب منصور هاشمی خراسانی را از حیث نام، سن، ملیت و مشخصات ظاهری مانند دیگران معرفی کنند تا به زعم خود، عدم حقانیت ایشان را به اثبات رسانند؛ غافل از آنکه حقانیت این بزرگوار، به نام، سن، ملیت و مشخصات ظاهری ایشان نیست، بل به اندیشه‌ها، آموزه‌ها و آرمان‌های خالص و کامل ایشان است و همین‌هاست که ایشان را از دیگران متمایز می‌سازد؛ وگرنه این بزرگوار مدعی نیست که فرشته است و مدعی نیست که با دیگران تفاوت دارد، بلکه تنها دعوت‌کننده‌ای به سوی آل محمد و زمینه‌سازی برای ظهور مهدی است و اگر کسی از ایشان پیروی می‌کند باید با نظر به این واقعیت باشد نه با نظر به نام، سن، ملیت و مشخصات ظاهری ایشان، هر چند با پیشگویی‌های اسلامی مطابقت داشته باشد.

از این روست که این بنده‌ی صالح خداوند، در سرآغاز نامه‌ی خود خطاب به مسلمانان پارسی نوشت:

«و اما بعد.. ای گروه خردمندان! ای برادران و خواهران مسلمان! با شما درباره‌ی شما سخن می‌گویم. آیا سخنم را می‌شنوید و دل می‌سپارید یا گوش خود را می‌گیرید و ره می‌سپارید؟! به خدا سوگند اگر دشمن انسان برای او نامه‌ای بنویسد، او آن را با دقت می‌خواند تا بداند که دشمن او برایش چه نوشته است، در حالی که من دوست دلسوز و برادر خیرخواه شما هستم و سزاوارترم تا بدانید برای شما چه نوشته‌ام. اگر شما من را نمی‌شناسید من شما را می‌شناسم و اگر شما من را دوست نمی‌دارید من شما را دوست می‌دارم. به سخنم گوش بسپارید و نپرسید که کیستم؛ چراکه کیستی انسان در سخن او آشکار می‌شود و عاقل به سخن می‌نگرد نه به گوینده‌ی آن!

چه بسیار سخن راستی که کودکی گوید و چه بسیار سخن دروغی که بزرگان گویند! سخن راست، راست است اگر چه کودکی گوید و سخن دروغ، دروغ است اگر چه بزرگان گویند! از این رو، اگر سخنی را بشناسید، شناختن گوینده‌ی آن به شما زبانی نمی‌رساند، همچنانکه اگر سخنی را نشناسید شناختن گوینده‌ی آن به شما سودی نمی‌رساند! پس به سخنم گوش بسپارید تا من را بشناسید؛ چراکه انسان در زیر زبان خویش پنهان است و کسی شناخته نمی‌شود تا آن گاه که به سخن در آید.

شما گوش داده نشده‌اید مگر برای شنیدن و چشم داده نشده‌اید مگر برای دیدن و عقل داده نشده‌اید مگر برای تمییز آن چه می‌شنوید و می‌بینید که کدامین راست و کدامین ناراست است. پس سخنم را با گوش خود بشنوید و با عقل خود برسید تا اگر راست بود بپذیرید و اگر ناراست بود نپذیرید. خداوند به شما توفیق دهد؛ چراکه شیطان می‌خواهد شما نشنوید تا ندانید و ندانید تا بدبخت شوید و آیا بدبختی جز در پی نادانی است؟!

من می‌دانم کسانی که پیش از من بوده‌اند، سخن، بسیار گفته‌اند و شما را رنجانده‌اند؛ چراکه بسیاری از سخنان آنان دروغ بوده است و چیزهایی گفته‌اند که به آن دانشی نداشته‌اند و گروهی از آنان کسانی هستند که شما را نمی‌خواهند مگر برای خودهایشان و سخن نمی‌گویند مگر برای فریب. شما را به سوی حقی فرا می‌خوانند که خود از آن بیگانه‌اند و برای شما خیری می‌خواهند که خود از آن بی‌بهره‌اند! اینان دین را تکیه‌گاهی برای قدرت و آخرت را دست‌آویزی برای دنیا کرده‌اند؛ و گرنه، نه دین را چنانکه باید می‌شناسند و نه آخرت را چنانکه شاید می‌خواهند.



اکنون من برای شما سخن می‌گویم، در حالی که نه امید قدرتی و نه طمع دنیایی دارم. یکی هستم از میان شما که مانند شما در زمین ضعیف شمرده می‌شوم و در پی برتری یافتن بر شما یا تباهی انگیختن در زمین نیستم. جز این نمی‌خواهم که امر به معروف و نهی از منکر کنم، تا خداوند هر که را خواهد بشنوند و هر که را خواهد کر نماید و شما چه می‌دانید؟! شاید چیزهایی را دگرگون سازد و از روی چیزهایی پرده برگردد؛ چراکه او بر هر کاری توانا و به هر چیزی داناست»<sup>۱</sup>.

این سخن عالم صدیقی است که بر خلاف دیگران، مردم را به سوی خود فرا نمی‌خواند، بلکه به سوی خداوند و خلیفه‌ی او در زمین فرا می‌خواند و با این وصف، کسانی که درباره‌ی نام و سنّ و ملیّت و مشخصات ظاهری او مجادله می‌کنند، فراخوان او را نمی‌شنوند یا می‌شنوند و ناشنیده می‌گیرند! ناگزیر عاقبت این ناشنوایان جز تحیّر و گمراهی نخواهد بود؛ چراکه فتنه‌ها دیر یا زود دامن آنان را خواهد گرفت و شبهه‌ها از رو به رو یا پشت سر به آنان خواهد رسید و هر کس به جای هدایت خداوند از هوای نفس خود پیروی کند، در تاریکی گم خواهد شد و رستگاری جز برای پرهیزکاران نخواهد بود.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ جراسانی  
 جیش با بحکومتها و منسختها



۱. نامه‌ی ۱

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ جراسانی حفظه الله تعالى



\* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.